

مادر سودا همه صحنه را دید

قتل دخترک در

شکنجه‌های آتشین پدر

بدن دختر یک ساله‌شان را سوزاند و بعد هم او را تک زد که ضربه وارد شده به سر کودک موجب مرگ او شد. پدر کودک بعد از وارد کردن ضربه‌های سهمگین به فرزند خود مانع تلفن زدن مادر به اورژانس شده بود و دیررسیدن نیروهای امدادگر اورژانس سبب شده بود که فرصت احتمالی برای نجات جان سودا کوچولو از دست رفته و او به گام مرگ فرورود.

همچنین تحقیق از همسایه‌ها حکایت از این داشت که برخی از آنها شاهد کتک خوردن کودک یک ساله و آزار دیدن او توسط پدرش بوده‌اند.

در حالی که موقع حضور مأموران پلیس در صحنه وقوع جنایت، پدر کودک در خانه حاضر نبود و با توجه به این فرضیه فرار او بعد از وقوع جرم مطرح بود، اقدامات پلیسی برای دستگیری او کلید خورد و ساعتی بعد مرد جوان دستگیر شد. بعد از دستگیری متهم مشخص شد که او در سوابق کیفری خود سابقه کودک‌آزاری داشته است. متهم صبح روز گذشته در جلسه بازجویی جزئیات جنایت را تشریح کرد.

مرد جوان که پیش از این سابقه کودک‌آزاری داشت، دختر یک ساله خود را به طرز هولناکی به قتل رساند.

به گزارش «ایران»، ظهر روز جمعه ۵ خرداد امسال، رسیدگی به مرگ مشکوک دخترک یک ساله‌ای به نام سودا در خانه‌شان واقع در جوادیه تهران در دستور کار محمد مهدی براعه بازپرس کشیک قتل پایتخت قرار گرفت.

دروغگویی مادر سودا

در حالی که علت مرگ این دخترک در ابتدا مشخص نبود، مادرش ادعا می‌کرد که سر سودا به دیوار اصابت کرد و بعد او جان خود را از دست داد.

اما بررسی‌های دقیق تیم تشخیص هویت و بررسی صحنه جرم حکایت از آن داشت که روی بدن نحیف این نوزاد آثار خراشیدگی و زخم وجود دارد. بنابراین تحقیقات از مادر سودا برای روشن شدن راز ماجرا ادامه پیدا کرد تا اینکه او اعتراف کرد که همسرش عامل قتل سوداست.

پدر شکنجه‌گر

زن جوان در اولین اعترافات خود بیان داشت که بعد از جرم‌بحث با همسرش به دلیل اینکه او تعادل روانی نداشت

خانواده مقتول قصاص می‌خواهند

من ۱۶ ساله چگونه قاتل شدم؟

۱۶ ساله بود که دستانش بوی خون گرفت! مادر هر وقت به دیدارش می‌رود با همه جودش گریه می‌کند! آن روز شوم و آن تماس تلفنی کافی بود تا در این سن و سال کم مهر قاتل بر پیشانی‌اش بزنند.

جنایت در بوستان ارتش

به گزارش «ایران» ساعت ۵ عصر ۱۳ مهرماه ۱۴۰۱ به مأموران پلیس خبر رسید، درگیری چند پسر نوجوان در پارک ارتش به خون کشیده شده و پسر ۱۷ ساله‌ای به نام دانیال از ناحیه سینه چاقو خورده و به بیمارستان امام حسین منتقل شده است. مأموران پلیس برای تحقیق به پارک ارتش رفتند و به تحقیق میدانی پرداختند که در بررسی‌ها روشن شد، دانیال در درگیری با پسر ۱۶ ساله‌ای به نام رسام زخمی شده است.

در حالی که ردیابی رسام آغاز شده بود از بیمارستان خبر رسید، دانیال به خاطر شدت خونریزی و پارگی قلب جان سپرده است. با مرگ پسر نوجوان، رسام در خانه پدری‌اش ردیابی و بازداشت شد و پلیس به تحقیق از شاهدان پرداخت.

دوست دانیال که شاهد درگیری خونین بود، گفت: امروز من و دانیال داخل پارک بودیم. او از من خواست به خیابان برویم و سیگار بخریم. ما مقابل مغازه رفته بودیم تا سیگار بخریم که با رسام روبه‌رو شدیم. فکر می‌کنم دانیال و رسام از قبل با هم درگیر بودند، چون به محض روبه‌رو شدن با هم ناگهان دانیال جلو رفت و سیلی‌ای به صورت رسام زد و به او فحش داد. آنها با هم درگیر شدند و رسام چاقویی را از جیبش بیرون آورد و یک ضربه به سینه دانیال زد و گریخت.

شاهد دیگر گفت: من دانیال را دیدم که با شیشه شکسته به سمت رسام حمله کرد و رسام هنگام فرار با چاقویی که در دست داشت، ضربه‌ای به شکم دانیال زد.

اعتراف پسر نوجوان به درگیری خونین

رسام در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت: من و دانیال با هم دوست بودیم و او را از قبل می‌شناختم. آن روز فکر می‌کنم دانیال حال طبیعی نداشت و مشروب خورده بود که با من تماس گرفت و از من خواست تا به حسابش پول واریز کنم، اما به حرف او توجهی نکردم و کوشی موبایلم را قطع کردم. ولی او پشت سر هم زنگ می‌زد و می‌گفت چون پشت سرم حرف‌های نامربوط زده‌ای باید حسابم را شارژ کنی. به او گفتم اشتباه می‌کند و من حرفی پشت سر او نزنده‌ام اما کوشش بدهکار نبودم.

وی افزود: در تماس آخر از من خواست تا سر خیابان بروم، من هم رفتم آنجا، دیدم دانیال و دوستش منتظم ایستاده‌اند. او بلافاصله به سمت من حمله‌ور شد و سیلی محکمی به صورت زد. من عقب رفتم اما او شیشه دلستر را از زیر پیراهنش بیرون آورد و آن را به کنار جدول زد و شکست و می‌خواست با شیشه شکسته به من حمله کند.

وی ادامه داد: من از قبل برای دفاع از خودم کار آتش‌بازخانه‌ای را همراه برده بودم، وقتی دانیال با شیشه به سمت من حمله‌ور شد چاقو را به سمتش گرفتم تا او بترسد اما چاقو ناخواسته با قلب او برخورد کرد. من که ترسیده بودم بلافاصله به خانه برگشتم و موضوع را به پدرم گفتم. پدرم از من خواست خودم را به پلیس تحویل دهم که همان موقع مأموران

پلیس رسیدند و من بازداشت شدم.

وی در حالی که سرش را پایین انداخته بود

و اشک می‌ریخت، گفت: باور کنید دانیال بی‌دلیل دعوا راه انداخته بود و از من پول

زور می‌خواست. وقتی در خیابان به من شرم

سپیدی زد و به مادرم فحش داد، عصبانی شدم

و نتوانستم تحمل کنم، به همین خاطر برای

ترساندنش چاقو کشیدم اما هرگز قصد کشتن

او را نداشتم.

به دنبال اعترافات پسر نوجوان، وی به پزشکی

قانونی معرفی شد و کارشناسان پزشکی قانونی

پس از معاینات بالینی سلامت روان وی را تأیید

کردند، اما در گزارشی اعلام کردند وی هنگام

ارتکاب جرم ۱۶ سال داشته و در رشد عقلی وی

شبهه وجود دارد.

بدین ترتیب کیفری یک استان تهران که ویژه

رسیدگی به جرایم اطفال است، فرستاده شد

تا به جرم پسر نوجوان رسیدگی شود. این در

حالی است که اولیای دم برای وی حکم قصاص

خواسته‌اند.

گفت‌وگو با متهم که هنوز از یادآوری آن روز وحشت دارد:

چرا چاقو همراهت برده بودی؟

وقتی دانیال چندبار تماس گرفت و با قلدری

از من پول خواست، ترسیدم. کار آتش‌بازخانه را

زیر لباسم گذاشتم تا اگر لازم شد او را بترسانم.

چرا چاقو کشیدی؟

او با شیشه شکسته دلستر به سمت من حمله

کرد و می‌خواست ضربه‌ای به سرم بزند. من

فقط چاقو را به سمتش گرفتم، اما او خودش

به سمت من حمله کرد که چاقو از زیر سینه‌اش

وارد قلبم شد. اگر او را زنده بوم شاید خودم

نمی‌خواستم سودا بمیرد!

از روز حادثه بگو، چرا دخترت را کشتی؟

من نمی‌خواستم دخترم را به قتل برسانم. آن روز با همسرم بحث شده

بود و وسط آن درگیری نفهمیدم چه شد

که این اتفاق افتاد.

چرا با همسرت دعوا کردی؟

آن روز بدون اجازه من از خانه بیرون رفته

بود. وقتی برگشت پرسیدم کجا بودی که

اما همسایه‌ها و صاحبخانه‌تان گفته‌اند

از خانه رفتم اما من فکر می‌کردم پرت و

پلا می‌گوید!

چرا چنین فکری رایج به همسرت کردی؟

چون قبلاً هم به من دروغ گفته بود.

بعد چه شد؟

بعد حسابی خشمگین شدم. می‌خواستم

زنم را کتک بزنم. بچه در بغلش بود و

سرش را محکم تکان داد که سرش به

بچه خورد و بچه از بغلش افتاد.

چرا بچه را به بیمارستان نبردی یا

اورژانس را خبر نکردی؟

فکر نمی‌کردم ضربه به حدی شدید باشد

که باعث آسیب جدی به او شود اما چند

ساعت بعد دیدم که حال دخترم بد شد

و موضوع را با برادرم در میان گذاشتم. از

برادرم خواستم به خانه‌مان بیاید و او

هم آمد. من همه ماجرا را برای برادرم

توضیح دادم.

چرا روی بدن سودا آثار کیفری و زخم و

سوختگی بود؟

شاید به خاطر همان وقتی است که از



دست مادرش افتاد. پسر خردسالی هم دارم که از سودا ۲ سال بزرگتر است. شاید او خواهرش را گاز گرفته است. می‌گویند جای دندان روی بدنش مانده و کیبود شده است اما من ندانم ندارم که بچه را گاز بگیرم.

ارتباط تو با فرزندانت چطور است؟

ارتباط خوبی داریم. آنها جگرگوشه‌های من هستند و به آنها وابسته هستم.

اما همسایه‌ها و صاحبخانه‌تان گفته‌اند

که شما با زن و بچه‌هایت زیاد درگیر

می‌شوی!

درگیری در هر خانه‌ای اتفاق می‌افتد اما

موقعیت خانه طوری است که اگر هم

درگیری و دعوا بین ما رخ دهد صاحبخانه

و همسایه‌ها نمی‌توانند داخل خانه ما را

بینند. من نمی‌دانم روی چه حسابی

این حرف‌ها را زده‌اند.

شغل چیست؟

راننده مسافربزرگ هستم. ۳ ماه قبل از

شهرستان زادگاهم به تهران آمدم تا کار

کنم و زندگی خوبی برای زن و بچه‌هایم

درست کنم. قبلاً هم به تهران آمده بودم

و از درآمدی که کسب می‌کردم راضی

بودم. فکر نمی‌کردم که در تهران چنین

حادثه‌ای رخ دهد!

رسیدگی به این پرونده برای روشن شدن

ایعدا پنهان ماجرا در جریان رسیدگی

قضایی قرار دارد. بنا بر این گزارش متهم

پرونده جهت تحقیقات تکمیلی در اختیار

مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران

قرار دارد.

عذاب وجدان پدر همسرکش با اشک‌های کودکش

وحشتناک هنگام عبور قطار مسافربری، لکوموتیوران با جسد غرق در خون زن جوانی روبه‌رو شد. بدین ترتیب وی بلافاصله طی تماس تلفنی پلیس را در جریان ماجرا قرار داد.

به دنبال تماس تلفنی این لکوموتیوران، تیمی از مأموران پلیس به محل حادثه رفتند و با پیکری بی‌جان و غرق در خون قربانی که با ضربات متعدد شیء نوک تیزی به قتل رسیده بود، مواجه شدند.

سپس با هماهنگی مقام قضایی جسد جهت معاینات و تعیین هویت به پزشکی قانونی انتقال یافت. مأموران احتمال دادند که جسد کشف شده متعلق به همسر مرد افیونی باشد و وقتی مرد همسرکش با جسد روبه‌رو شد، تأیید کرد که جسد همسرش است.

سپس متهم به قتل در جریان بازجویی‌ها به کارآگاهان پلیس گفت: سال‌هاست که به مواد مخدر اعتیاد دارم، همسرم حسابدار یک شرکت خصوصی بود، خیلی تلاش کرد که من برای کنار گذاشتن مواد به یک مرکز ترک اعتیاد بروم، اما نتوانستم. تا اینکه این اواخر طلاهایش را فروخت تا هزینه درمان مرا پرداخت کند. بنابراین چند روز قبل از این حادثه اصرار کرد که من برای ترک اعتیاد به کمپ بروم. اما زندگی در کمپ معنادار نبود، برایم سخت بود. بنابراین برای اینکه از دست همسرم خلاص شوم نقشه قتل او را طراحی

و به بهانه این که برای گردش و تفریح به هوای اینکه تنفسی تازه کنند و استراحت کوتاهی داشته باشند. بنابراین از همسر نکونخ‌اش خواست که از ماشین پیاده شود، این در حالی بود که پسر خردسال‌شان نیز در صندلی عقب خودرو به خواب عمیقی فرو رفته بود.

زن جوان همین که از خودرو پیاده شد و اولین قدم را برداشت، همسر معتادش به سمتش رفت و ناگهان بدون هیچ مقدمه‌ای با چاقو به جانش افتاد و زن نقش بر زمین

شد. مرد سنگدل وقتی مطمئن شد که همسرش دیگر نفس نمی‌کشد و جان

باخته است، جسدش را کشان گشان به

کنار ریل راه‌آهن آورد و در آنجا رها کرد.

دست و لباس‌های مرد خون‌آلود شده

بود. از صندوق عقب آب برداشت و دستانش

را شست و سپس لباسش را عوض کرد.

سپس به سمت خودرویش رفت و پسرش

را که خواب بود، بغل کرد و خودرو را نیز

همان جا رها کرد. مرد افیونی به همراه

پسر خردسالش از محل جنایت دور شد.

آنها در منجیل سوار بر خودروی مسافرکشی

شده و به سمت آستارا حرکت کردند.

ساعتی بعد مرد جانی به همراه پسرش به

مرز آستارا رسید. او قصد داشت از کشور

وارد صحبت شد و ۶۵ میلیون تومان پول

تا از مرز آبی کشور خارج شوند. این مرد

جانی وقتی به همراه پسر خردسالش وارد

لنج شدند، پسرش که به شدت ترسیده

بود، به گریه افتاد. مرد هر کاری کرد که

او آرام شود بی‌نتیجه بود، بنابراین چاره‌ای

نداشت و از لنج خارج شدند. مرد افیونی

سرانجام با گذشت ۲۴ ساعت از قتل

همسرش دچار عذاب وجدان شد و خودش

را به پلیس آستارا معرفی کرد.

همزمان با گذشت چند ساعت از این جنایت

جهاندار در حال رسیدگی است.

حوادث ویژه

قتل هولناک معلم جوان در شهر مرزی



معلم جوان در درگیری فامیلی مورد اصابت ضربات چاقو قرار گرفت و به قتل رسید. به گزارش «ایران»، اهالی زیرکوه خراسان جنوبی مرگ هولناک معلم مهربان

روستای بقربی به نام هاشم بخشی روستا را باور ندارند. چند سالی می‌شد که

آقای بخشی از نیروهای خدمات آموزشی این روستا بود. ظهر

دیروز همه اهالی زیرکوه در تشریح جنازه آقا معلم شرکت کردند و

این در حالی بود که قاتل این معلم هم بعد از جنایت دستگیر

شد و جزئیات جنایت را تشریح کرد. حجت‌الاسلام هادی حسینی

دادستان شهرستان زیرکوه در گفت‌وگو با خبرنگار ما جزئیات این

حادثه را تشریح کرد و گفت: «ظهر

روز جمعه ۵ خرداد ماه، مرد جوانی

که یکی از معلمان زیرکوه است،

به دست یکی از اقوام خود به قتل

رسید. متهم به قتل دامدار است

و قبل از وقوع جنایت گوسفندان

خود را به چراگاه برده بود. برادر

خانم متهم در همان حال سراغ

او رفته و به او گفته که آقا معلم

قصد ورود به خانه‌اش را داشته

است. متهم هم بدون اینکه ادله

کافی برای اثبات این حرف داشته

باشد به حدی خشمگین شده

که سراغ مقتول رفته و با ۳ ضربه

چاقو او را از پای درآورده است. قاتل

و مقتول هر دو از چهره‌های موجه و

سرشناس بودند». حادثه‌ای که رخ

داده سبب اندوه و حسرت اهالی

روستا شده است. دادستان زیرکوه

در ادامه به خبرنگار ما گفت: «متهم

بعد از دستگیری به قتل هاشم

بخشی اعتراف کرد و گفت که در

لحظه ارتکاب جرم خشم جلوی

چشمانش را گرفته.» رسیدگی به

این پرونده برای روشن شدن ابعاد

پنهان ماجرا در دستور کار قضایی

قرار دارد.

حبس شدن ۳۵ زن و مرد اصفهانی در یک پاساژ

سختجوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری اصفهان از محبوس شدن ۳۵ نفر در پاساژی در چهارباغ عباسی اصفهان به دلیل خرابی لولای در کرکره‌ای آن خبر داد. سرانجام فرهاد کاوه‌آهنگران گفت: این حادثه ساعت ۲۳ و ۲ دقیقه جمع‌شد. به سازمان آتش‌نشانی اعلام شد. وی دلیل این حادثه را خرابی لولای در کرکره‌ای پاساژ اعلام کرد و افزود: مأموران امداد بلافاصله از ایستگاه شماره ۲۷ اصفهان به محل حادثه اعزام شدند و افراد گرفتار در پاساژ را نجات دادند.

عکسی عجیب از گیر کردن پرابد در بالابر پارکینگ



آتش‌نشانان در فردیس کرج برای راه‌سازی پرابد گیر کرده در بالابر یک ساختمان وارد عمل شدند. عاشوری، مدیرعامل آتش‌نشانی فردیس گفت: خودروی پرابد در بالابر پارکینگ خیابان فردیس گیر کرده بود به همین دلیل آتش‌نشانان فردیس به محل حادثه اعزام شدند.

وی افزود: با توجه به وضعیت خطرناک خودروی پرابدی که در بین طبقه اول و منفی یک قرار داشت، آتش‌نشانان با ایمن‌سازی محل و جلوگیری از خسارت جانی با استفاده از تجهیزات خودرو، آن راه‌سازی کردند.